

رابطه بین ویژگی‌های هیئت مدیره و ریسک پذیری بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

مجید داداشی^۱، نسب مهرداد رحمانی^۲ و سهراب ترکیان^{۳*}

۱ عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خدابنده

majiddadashinasab@gmail.com

۲ مدرس موسسه آموزش عالی تاکستان

Rahmani_mehrdad@yahoo.com

۳ کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی تاکستان، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)

sohrab8126@yahoo.com

چکیده

مطالعه فعلی؛ رابطه بین ویژگی‌های هیئت مدیره و ریسک پذیری بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد ارزیابی قرار داده است. در این مسیر و جهت حصول اهداف پژوهش؛ اطلاعات مالی ۱۸ بانک پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران؛ که از طریق نمونه‌گیری به روش حذف سیستماتیک، برای یک قلمروی زمانی پنج ساله (از ابتدای سال ۱۳۹۱ تا پایان سال ۱۳۹۵) بعنوان نمونه آماری انتخاب شده بودند؛ از طریق صورت‌های مالی آنان؛ استخراج و آزمون‌های آماری مورد نیاز صورت گرفت. یافته‌های پژوهش؛ با استفاده از رگرسیون خطی چند متغیره؛ مؤید این مطلب بود که ساختار هیات مدیره بر میزان ریسک‌پذیری بانکها تاثیر منفی و معناداری دارد، دوگانگی وظیفه مدیر عامل بر میزان ریسک‌پذیری بانکها تاثیر منفی و معنادار دارد، اندازه هیئت مدیره بر میزان ریسک‌پذیری بانکها تاثیر منفی و معنادار ندارد، جنسیت اعضا هیئت مدیره بر میزان ریسک‌پذیری بانکها تاثیر معنادار ندارد و میزان تحصیلات اعضا هیئت مدیره بر میزان ریسک‌پذیری بانکها تاثیر منفی و معنادار دارد.

واژه‌های کلیدی: هیئت مدیره، ریسک پذیری، بانک

مقدمه

مدیریت، هنر انجام دادن امور به وسیله دیگران بوده و فرایندی است که طی آن تصمیم‌گیری در سازمان‌ها صورت می‌گیرد. عبارت دیگر، مدیریت علم و هنر هماهنگی کوشش‌ها و مساعی اعضاء سازمان استفاده از منابع برای نیل به اهداف سازمانی بازی کردن نقش رهبر، منبع اطلاعاتی تصمیم‌گیرنده رابط برای اعضای سازمان است. مدیریت از دید کارکردی شامل وظایفی همچون برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و سازماندهی، نوآوری، هماهنگی، ارتباطات، رهبری، انگیزشی و کنترل می‌گردد (داودی، ۱۳۹۲).

بیان مسئله

یک شرکت، تحت هدایت و رهبری اعضای هیات مدیره‌اش اداره می‌شود سپس هدایت و رهبری از هیات مدیره به مدیر عامل و از مدیر عامل به مدیران ارشد، به منظور مدیریت و سازماندهی کارهای روزانه شرکت، انتقال می‌یابد. بدین ترتیب، هیات مدیره به نمایندگی از سوی سهامداران شرکت، کار نظارت و کنترل بر شرکت را انجام می‌دهد (سلیمانی امیری، ۱۳۹۳). اندازه هیأت مدیره به عنوان عنصری با اهمیت در ویژگی‌های هیأت مدیره مطرح است. تعداد بهینه اعضای هیأت مدیره باید به گونه‌ای تعیین شود که نسبت به این موضوع که اعضای کافی برای پاسخگویی به وظایف هیأت مدیره و انجام وظایف مختلف هیأت مدیره وجود دارد، اطمینان خاطر حاصل شود (حساس‌یگانه و همکاران، ۱۳۸۷). شواهد تجربی حاکی از آن است که هیچ‌گونه اتفاق نظری در خصوص اندازه بهینه هیات مدیره وجود ندارد. گرین (۲۰۰۵) معتقد است که تعداد اعضای هیات مدیره باید محدود باشد تا امکان بحث و تبادل نظر در خصوص مسائل و مشکلات شرکت مهیا گردد. هیأت مدیره‌های بزرگتر، از قدرت کمتری برخوردارند. در این گونه هیأت مدیره‌ها، توافق و اجماع در خصوص یک موضوع خاص بسیار دشوار است. همچنین گودستین و همکاران (۱۹۹۴)، دریافته‌اند که هیأت مدیره‌های کوچکتر بین ۴ الی ۶ عضو می‌توانند مؤثرتر باشند؛ زیرا به واسطه کوچک بودن، قادرند تصمیمات راهبردی به موقع‌تری اتخاذ نمایند. از سوی دیگر، عده‌ای دیگر همچون لیپمن و لیپمن (۲۰۰۶)، معتقدند که اندازه هیات مدیره باید به میزان کافی بزرگ باشد تا دربردارنده طیفی از مهارت‌ها و تجارب افراد گوناگون باشد، همچنین پژوهش زهرا و پیرس (۱۹۸۹)، نیز حاکی از آن است که تعداد بیشتر اعضای هیأت مدیره-هیأت مدیره بزرگتر- موجب افزایش قابلیت نظارت بر فعالیت‌های مدیران ارشد می‌شود. اما آنچه که مشخص است این است که هیات مدیره باید اندازه‌ای معقول داشته باشد. اعضای غیرموظف هیأت مدیره از طریق نظارت بر مدیران موظف، بر روی تصمیمات آنان نظارت دارند. در نتیجه ترکیب هیأت مدیره می‌تواند بر عملکرد مالی بانک‌ها اثرگذار باشد. در صورتی که اکثریت اعضای هیات مدیره را مدیران مستقل غیرموظف تشکیل دهد، هیأت مدیره از کارایی بیشتری برخوردار خواهد بود (مرادی و همکاران، ۱۳۹۱). اثربخشی هیات مدیره مستقیماً به ارتباطات بین اعضای هیات مدیره، بین هیات مدیره و مدیریت اجرایی و بین هیات مدیره و سایر ذینفعان مرتبط است. دلیل این موضوع، آن است که مسئولیت‌های اصلی هیات مدیره یعنی فراهم کردن هدایت و نظارت، روی رفتار سایرین تأثیر می‌گذارد. این تأثیر و نفوذ می‌تواند به طور مناسبی اعمال شود تنها اگر تصمیمات به شکلی شفاف و متقاعدکننده اعلام شوند. بنابراین اعضای هیات مدیره که مسئول تصویب موضوعات مهمی مانند راهبرد، انتصاب مدیران رده بالا و ریسک‌پذیری بانک‌ها هستند، بصورت جمعی تصمیم می‌گیرند. بنابراین، صمیمیت، دقت و صحت ارتباطات در درون هیات مدیره، کیفیت تصمیم‌گیری جمعی را بهبود می‌بخشد (سلیمانی امیری، ۱۳۹۳). البته میل به خطرپذیری بستگی به شغل افراد نیز دارد. مثلاً رسیدن به عملکرد بهتر در یک موسسه کارگزاری سهام نیازمند ریسک‌پذیری زیادی است و برعکس. کار حسابداری نیازمند ریسک‌پذیری کمتری است؛ ولی آیا کار بانکداری به ریسک‌پذیری بالایی نیازمند است، یا تمایل به خطر زیاد در بین مدیران بانکی باعث کاهش عملکرد می‌باشد و آیا تأثیرپذیری از سطح ریسک سازمانی بر عملکرد مدیران موثر است؟ اینها، سؤال‌هایی هستند که نیازمند بررسی بیشتر و یافتن پاسخ مناسب می‌باشند.

بانک‌ها جزء موسساتی هستند که که سطوح مختلف مدیریتی در آن با توجه به ماهیت فعالیت خود و نیز سطح تصمیم‌گیری‌هایی که دارند با ریسک‌های مختلفی روبرو هستند. در سطح کلان، هیات مدیره بانک‌ها و در سطوح پایین‌تر و در سطح اجرایی، روسای شعب با ریسک‌های جزئی در سطح یک شعبه مواجه هستند (منصور فر و همکاران، ۱۳۹۱).

این پژوهش به بررسی ویژگی‌های ریسک‌پذیری یا ریسک‌گریزی هیات مدیره بانک‌ها پرداخته و به دنبال یافتن رابطه احتمالی آن با عملکرد بانک‌ها می‌باشد.

فرضیه‌های پژوهش

- (۱) ساختار هیات مدیره بر میزان ریسک‌پذیری بانکها تاثیر معناداری دارد.
- (۲) دوگانگی وظیفه مدیر عامل بر میزان ریسک‌پذیری بانکها تاثیر معنادار دارد.
- (۳) اندازه هیئت مدیره بر میزان ریسک‌پذیری بانکها تاثیر معنادار دارد.
- (۴) جنسیت اعضا هیئت مدیره بر میزان ریسک‌پذیری بانکها تاثیر معنادار دارد.
- (۵) میزان تحصیلات اعضا هیئت مدیره بر میزان ریسک‌پذیری بانکها تاثیر معنادار دارد.

روش‌شناسی پژوهش

نوع روش پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت و روش، توصیفی و از نظر هدف، یک پژوهش کاربردی بوده و از آنجایی که در پژوهش حاضر، وضعیت موجود متغیرها با استفاده از جمع‌آوری اطلاعات، از طریق اطلاعات گذشته مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است، در ردیف مطالعات توصیفی-همبستگی گنجانده می‌شود.

روش گردآوری اطلاعات

دسته اول اطلاعات، مربوط به ادبیات پژوهش می‌باشد که به روش کتابخانه‌ای و با مراجعه به سایت‌ها، متون و مطالعات مربوط انجام شده است.

دسته دوم اطلاعات، داده‌های مربوط به تحقیق می‌باشند که با توجه به پس‌رویدادی بودن، به روش کتابخانه‌ای بوده و با مراجعه به سایت کودال و سایر سایت‌های بورسی، اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری خواهد شد.

ابزار گردآوری اطلاعات

ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش، سایت‌های سازمان بورس اوراق بهادار تهران (www.rdis.ir) و (www.codal.ir) می‌باشد. پس از استخراج داده‌های لازم پیرامون متغیرهای پژوهش از صورت‌های مالی شرکت‌های مورد بررسی، با انجام آزمون‌های مختلف بر روی حجم نمونه انتخابی، نتایج بدست آمده به کل جامعه تعمیم داده خواهد شد.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

- استفاده از روش‌های آمار توصیفی نظیر میانگین، واریانس و چارک جهت توصیف وضعیت عمومی توزیع داده‌های پژوهش.
- استفاده از آزمون‌های آماری رگرسیون خطی چند متغیره، دوربین - واتسون، اف لیمر، هاسمن، اف فیشر، ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده.

- میزان تحصیلات اعضا هیئت مدیره بر میزان ریسک‌پذیری بانکها تاثیر معنادار دارد.

۱- مدل تحلیلی پژوهش

$$\ln Z\text{-score}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1(BSIZE)_{i,t} + \beta_2(N\text{-EXEC})_{i,t} + \beta_3(DUAL)_{i,t} + \beta_4(BFEMALE)_{i,t} + \beta_5(BQUALIF)_{i,t} + \beta_6 \ln(T\text{-ASSETS})_{i,t} + \beta_7(DR)_{i,t} + \beta_8(Crisis)_{i,t} + e$$

مؤلفه‌های مدل پژوهش به شرح زیر بیان می‌گردد:

BSIZE=اندازه هیات مدیره،

BFEMALE= زن هیات مدیره،

N-EXEC=مدیران غیر اجرایی،

BQUALIF=صلاحیت هیات مدیره،

T-ASSETS=کل دارایی،

Z-SCORE=امتیاز نقد شوندگی،

DUAL = دوگانگی مدیرعامل،

CRISIS = بحران می‌باشد.

متغیرهای پژوهش و شیوه ارزیابی آنها

شیوه ارزیابی متغیرها

نام و نماد متغیر	نوع متغیر	شیوه ارزیابی
BSIZE	مستقل	تعداد کل مدیران هیئت مدیره بانک در پایان هر سال مالی
BFEMALE		تعداد زنان هیئت مدیره به عنوان یک درصد از کل مدیران
N-EXEC		تعداد مدیران غیر موظف به عنوان یک درصد از کل مدیران هیئت مدیره، که به عنوان مدیران مستقل در نظر گرفته می‌شوند
BQUALIF		تعدادی از مدیران هیئت مدیره که دارای مدرک دکتری هستند
DUAL		یک متغیر ساختگی برابر با یک اگر مدیر عامل شرکت رئیس هیئت مدیره نیز باشد و در غیر این صورت برابر با صفر در نظر گرفته می‌شود
RISK	وابسته	$R_{it} = \alpha_{it} + \beta_{irmt} + e_{it}$ <p>که در آن:</p> <p>α_{it}: عرض از مبدأ خط رگرسیون R_{it}: بازده سهام عادی شرکت i در دوره t: β_{irmt}: بازده پرتفلیوی بازار در دوره t: e_{it}: خطاهای بازده شرکت i در دوره t می‌باشد</p>
T-ASSETS	کنترلی	لگاریتم طبیعی اندازه گیری دارایی بانک از مجموع دارایی‌ها در پایان هر سال
Crisis		$Z' = 0.717x_1 + 0.847x_2 + 3.107x_3 + 0.42x_4 + 0.998x_5$ <p>بر این اساس، چنانچه:</p> <p>$Z\text{'-Score} < 1.33$: احتمال بحران مالی، بسیار بالا، $1.33 < Z\text{'-Score} < 2.9$</p> <p>$Z\text{'-Score} > 2.9$: ناحیه بحران مالی و $Z\text{'-Score} > 2.9$: احتمال بحران مالی، بسیار کم می‌باشد.</p>

جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

جامعه آماری در پژوهش حاضر، بانکهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشند. روش نمونه‌گیری در پژوهش حاضر، حذف سیستماتیک بوده و به علت گستردگی حجم آماری جامعه و وجود برخی ناهمبستگی‌ها میان اعضا، شرایط زیر برای انتخاب نمونه آماری قرار داده شده که شامل موارد زیر می‌باشند:

۱. این بانکها باید قبل از سال ۱۳۹۱ در بورس حضور داشته و از ابتدای سال ۱۳۹۱ سهام آنها در بورس مورد معامله قرار گرفته و معاملاتی باشد.

۲. سال مالی این بانکها می‌بایست منتهی به ۲۹ اسفند باشد (به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه).

۳. بانکها در طول دوره بررسی، تغییر سال مالی نداده و اطلاعات مورد نیاز به منظور استخراج داده‌ها در دسترس باشد.

بر اساس نمونه‌گیری فوق؛ تعداد ۱۸ بانک بعنوان نمونه آماری انتخاب شد.

یافته‌های پژوهش

بررسی آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در نگاره زیر نشان داده شده است.

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در دوره مورد بررسی

متغیر	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	مشاهدات
NEXCE	۰.۴۰۰	۰.۲۰۰	۰.۴۲۹	۰.۳۳۳	۰.۵۵۸	۲.۱۵۶	۳.۳۵۰	۹۰
BQUALIF	۰.۱۴۳	۰.۲۸۶	۰.۴۲۹	۰.۰۰۰	۰.۴۳۱	-۱.۱۷۲	-۲.۳۷۴	۹۰
DUAL	۰.۶۱۱	۱.۰۰۰	۱.۰۰۰	۰.۰۰۰	۳.۱۹۸	-۳.۶۶۱	-۴.۶۵۲	۹۰
BSIZE	۵.۰۰۰	۵.۰۰۰	۷.۰۰۰	۳.۰۰۰	۰.۴۸۲	۱.۴۲۷	۱.۹۷۰	۹۰
LNZSCORE	۲.۴۳۰	۲.۱۲۲	۵.۱۰۳	۱.۱۷۶	۲.۰۹۰	۱.۱۸۷	۳.۶۰۴	۹۰
TASSETS	۱۵.۸۸۳	۱۵.۶۵۰	۲۲.۹۴۴	۱۰.۳۰۲	۰.۸۵۵	۰.۶۲۲	۳.۱۳۸	۹۰
BFEMALE	۰.۲۸۶	۰.۱۴۳	۰.۸۷۸	۰.۱۴۰	۰.۲۴۱	۰.۶۵۹	۲.۶۰۹	۹۰
CRISIS	۲.۳۰۰	۲.۲۸۳	۵.۷۵۱	۱.۹۲۴	۰.۱۹۴	۰.۴۰۳	۲.۴۹۹	۹۰
DR	۰.۳۴۹	۰.۳۸۶	۰.۸۱۶	۰.۲۳۸	۱.۵۸۶	-۲.۱۰۸	-۳.۴۲۸	۹۰

آزمون نرمال بودن توزیع آماری جملات خطای فرضیه‌های پژوهش

پیش فرض آنکه آزمون‌های آماری، نتایج صحیحی را تبیین نمایند، کسب اطمینان از نرمال بودن توزیع آماری جملات خطای فرضیه‌های پژوهش ضروری می‌باشد. بدین منظور، برای بررسی نرمال بودن توزیع آماری جملات خطای فرضیه پژوهش از آزمون جارک - برا در محیط نرم افزاری ایویوز استفاده شده است. توزیع آماری آزمون مذکور بصورت زیر است:

توزیع آماری جملات خطای فرضیه‌های پژوهش دارای توزیع نرمال است: H_0

توزیع آماری جملات خطای فرضیه‌های پژوهش دارای توزیع نرمال نیست: H_1

نتایج آزمون مذکور در نگاره زیر ارائه شده است.

نتایج آزمون نرمال بودن توزیع آماری جملات خطای فرضیه‌های پژوهش

نام متغیر	نماد	آماره جارک برا	احتمال آماره جارک برا
جملات خطای کلیه فرضیه‌ها	RESIDUAL	۳۹۷,۲۲۰	۰,۰۷۰

به لحاظ آنکه احتمال آماره جارک - برا برای توزیع آماری جملات خطای فرضیه‌های پژوهش، بیشتر از سطح خطای ۵٪ است، فرض H_0 تأیید شده و نرمال بودن توزیع آماری آن را تأیید می‌نماید.

بررسی پایایی متغیرهای پژوهش

بدین منظور، از آزمون لوین؛ لین و چو استفاده شده و نتایج آزمون مذکور در نگاره زیر نشان داده شده است. توزیع آماری آزمون مذکور بصورت زیر است:

H_0 داده‌های متغیرها پایا نیستند:

H_1 داده‌های متغیرها پایا هستند:

آزمون پایایی متغیرهای پژوهش

آزمون لوین؛ لین و چو		نماد	نام متغیر
احتمال آماره آزمون	آماره آزمون		
۰,۰۰۰۰	-۳۱,۲۲۵	LNZSCORE	ریسک‌پذیری
۰,۰۰۰۰	-۳۰,۲۳۱	BSIZE	اندازه هیأت مدیره
۰,۰۰۰۰	-۴۶,۱۳۱	NEXCE	مدیران غیر اجرایی
۰,۰۰۰۰	-۲۶,۶۵۹	DUAL	دوگانگی مدیرعامل
۰,۰۰۰۰	-۴۱,۱۴۷	BFEMALE	زن هیأت مدیره
۰,۰۰۰۰	-۳۸,۸۵۳	BQUALIF	صلاحیت هیأت مدیره
۰,۰۰۰۰	-۲۳,۶۵۰	TASSETS	کل دارایی‌ها
۰,۰۰۰۰	-۱۹,۸۲۶	DR	اقدام تعهدی اختیاری
۰,۰۰۰۰	-۴۴,۴۴۴	CRISIS	بحران مالی

بر اساس نتایج بدست آمده، این نتیجه حاصل شد که متغیرهای پژوهش در دوره بررسی، پایا بوده‌اند. زیرا احتمال آماره آزمون لوین، لین و چو در تمامی متغیرها، کمتر از سطح خطای ۵٪ بوده است.

بررسی نبود همخطی میان متغیرهای مستقل و کنترلی

نتایج بررسی نبود همخطی میان متغیرهای پژوهش در نگاره ۴-۴ نشان داده شده است.

نتایج بررسی همخطی میان متغیرهای مستقل و کنترلی پژوهش

آماره‌های همخطی		متغیرهای مستقل و کنترلی	
عامل تورم واریانس (VIF)	تلرانس	نماد	نام متغیر
۲,۴۵۸	۰,۴۰۶	BSIZE	اندازه هیأت مدیره
۲,۴۲۸	۰,۴۱۱	NEXCE	مدیران غیر اجرایی
۲,۲۸۷	۰,۴۳۷	DUAL	دوگانگی مدیرعامل
۲,۰۶۹	۰,۴۸۳	BFEMALE	زن هیأت مدیره
۲,۲۶۴	۰,۴۴۱	BQUALIF	صلاحیت هیأت مدیره
۲,۱۶۴	۰,۴۶۲	TASSETS	کل دارایی‌ها
۲,۴۱۱	۰,۴۱۴	DR	اقدام تعهدی اختیاری
۲,۴۱۰	۰,۴۱۳	CRISIS	بحران مالی

با توجه به آنکه مقدار تلرانس در همه متغیرها، بیشتر از ۰/۲ بوده و مقدار عامل تورم واریانس کمتر از پنج می‌باشد، لذا می‌توان نتیجه گرفت که میان متغیرهای پژوهش، همخطی وجود ندارد.

آزمون واریانس ناهمسانی

در پژوهش حاضر، برای تشخیص واریانس ناهمسانی از آزمون وایت^۱ استفاده شده و نتایج در نگاره زیر بیان شده است. توزیع آماری آزمون مذکور بصورت زیر است:

H_0 : همسانی واریانس:

H_1 : ناهمسانی واریانس:

بررسی واریانس ناهمسانی متغیرهای پژوهش

نام آزمون	فرضیه	آماره آزمون	درجه آزادی	احتمال آماره آزمون
وایت	کلیه فرضیه‌ها	۴,۰۰۸	(۳,۴۲۵)	۰,۰۵۶۳

نتایج به دست آمده حاکی از آن است مقدار احتمال آزمون مذکور، بیشتر از سطح خطای ۵٪ است، لذا حاکی از همسانی واریانس بوده و ملاحظه شد که مشکل ناهمسانی واریانس وجود ندارد.

۴-۷ آزمون چاو و هاسمن

در مرحله نخست، با استفاده از آزمون چاو، به انتخاب الگوی داده‌های تلفیقی در برابر داده‌های تابلویی پرداخته شده است. فرض‌های مربوط به این آزمون بصورت زیر تبیین می‌گردند:

H_0 : پذیرش داده‌های تلفیقی

H_1 : پذیرش داده‌های تابلویی

نتیجه آزمون مذکور در نگاره زیر نشان داده شده است.

بررسی نتایج آزمون چاو

نام آزمون	فرضیه	آماره آزمون	درجه آزادی	احتمال آماره آزمون
چاو	کلیه فرضیه‌ها	۱۲,۴۲۴	(۱۲۲,۴۸۵)	۰,۰۰۰۰

بر طبق داده‌های نگاره فوق، مقدار احتمال آماره آزمون چاو، کمتر از سطح خطای ۵٪ از این رو به منظور انتخاب الگوی اثرات ثابت در برابر الگوی تصادفی، جهت انجام رگرسیون داده‌های ترکیبی، از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. فرض‌های مربوط به این آزمون بصورت زیر تبیین می‌گردند:

H_0 : استفاده از روش اثرات تصادفی

H_1 : استفاده از روش اثرات ثابت

نتیجه آزمون مذکور در نگاره زیر نشان داده شده است.

بررسی نتایج آزمون هاسمن

نام آزمون	فرضیه	آماره آزمون	درجه آزادی	احتمال آماره آزمون
هاسمن	کلیه فرضیه‌ها	۳۷,۰۲۴	۷	۰,۰۰۰۰

همانگونه که مشخص است، مقدار احتمال آماره آزمون هاسمن کمتر از سطح خطای ۵٪ می‌باشد. لذا استفاده از الگوی ثابت در برابر الگوی اثرات تصادفی در فرضیه‌های پژوهش تأیید می‌گردد.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

مدل رگرسیونی اثرات ثابت فرضیه‌های مذکور در نگاره زیر نشان داده شده است.

¹ White Test

مدل رگرسیونی اثرات ثابت فرضیه‌های پژوهش

متغیرها	آماره‌ها	نماد	ضرایب رگرسیونی	مقدار آماره تی	احتمال آماره تی
مقدار ثابت		C	-۸,۰۴۷	-۲,۵۲۴	۰,۰۱۱۹
اندازه هیأت مدیره		BFSIZE	-۹,۰۷۸	-۱,۳۳۲	۰,۱۸۳۳
مدیران غیر اجرایی		NEXCE	-۰,۴۱۳	-۱۲,۹۹۸	۰,۰۰۰۰
دوگانگی مدیرعامل		DUAL	-۲,۸۴۳	-۴,۳۶۴	۰,۰۰۰۰
زن هیأت مدیره		BFEMALE	۱۰,۶۶۱	۱,۱۷۳	۰,۲۴۱۲
صلاحیت هیأت مدیره		BQUALIF	-۱۰,۶۸۹	-۴,۲۷۴	۰,۰۰۰۰
کل دارایی‌ها		TASSETS	۵,۴۵۱	۱۹,۷۵۸	۰,۰۰۰۰
اقلام تعهدی اختیاری		DR	۵,۸۵۵	۰,۷۵۴	۰,۴۵۱۱
بحران مالی		CRISIS	۰,۶۵۱۵۸۹	۴,۳۶۴	۰,۰۰۰۰
ضریب تعیین		ضریب تعیین تعدیل شده	دوربین واتسون	آماره اف	احتمال آماره اف
۰,۸۶۹		۰,۸۵۱	۱,۹۸۵	۲۱,۰۰۵	۰,۰۰۰۰

نتایج حاصل از نگاه فوق، بیان کننده مطالب زیر می‌باشد:

ساختار هیأت مدیره بر میزان ریسک‌پذیری بانکها تاثیر منفی و معناداری دارد. زیرا اولاً علامت ضریب رگرسیونی متغیر مربوطه (-۰,۴۱۳)، منفی و ثانیاً مقدار احتمال آماره تی آن (۰,۰۰۰۰)، کمتر از سطح خطای ۵٪ است. لذا فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید می‌گردد. دوگانگی وظیفه مدیر عامل بر میزان ریسک‌پذیری بانکها تاثیر منفی و معنادار دارد. زیرا اولاً علامت ضریب رگرسیونی متغیر مربوطه (-۲,۸۴۳)، منفی و ثانیاً مقدار احتمال آماره تی آن (۰,۰۰۰۰)، کمتر از سطح خطای ۵٪ است. لذا فرضیه دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید می‌گردد. اندازه هیئت مدیره بر میزان ریسک‌پذیری بانکها تاثیر معنادار ندارد. زیرا اولاً علامت ضریب رگرسیونی متغیر مربوطه (-۹,۰۷۸)، منفی و ثانیاً مقدار احتمال آماره تی آن (۰,۱۸۳۳)، بیشتر از سطح خطای ۵٪ است. لذا فرضیه سوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌گردد. جنسیت اعضا هیئت مدیره بر میزان ریسک‌پذیری بانکها تاثیر معنادار ندارد. زیرا اولاً علامت ضریب رگرسیونی متغیر مربوطه (۱۰,۶۶۱)، مثبت و ثانیاً مقدار احتمال آماره تی آن (۰,۲۴۱۲)، بیشتر از سطح خطای ۵٪ است. لذا فرضیه چهارم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌گردد. میزان تحصیلات اعضا هیئت مدیره بر میزان ریسک‌پذیری بانکها تاثیر منفی و معنادار دارد. زیرا اولاً علامت ضریب رگرسیونی متغیر مربوطه (-۱۰,۶۸۹)، منفی و ثانیاً مقدار احتمال آماره تی آن (۰,۰۰۰۰)، کمتر از سطح خطای ۵٪ است. لذا فرضیه پنجم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید می‌گردد. بر اساس ضریب تعیین تعدیل شده مدل، حدود ۸۵٪ تغییرات متغیر وابسته، ضمن توجه به تأثیر متغیرهای کنترلی، توسط تغییرات متغیرهای توضیحی مدل مذکور، قابل توضیح است. برای بررسی خود همبستگی میان متغیرهای پژوهش از آزمون دوربین - واتسون استفاده شده است که چون مقدار آن (۱,۹۸۵) در بازه بهینه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، بیان کننده این مطلب است که همبستگی بین واریانس جملات خطا دارای تأثیر گذاری جدی نبوده؛ دارای استقلال بوده و فرض وجود خودهمبستگی میان متغیرها، رد می‌گردد به منظور بررسی معنادار بودن مدل، از آزمون اف استفاده شد و چون احتمال آماره آزمون مذکور (۰,۰۰۰۰)، کمتر از سطح خطای ۵٪ می‌باشد، معنادار بودن رگرسیونی برازش شده تأیید می‌گردد؛ بعبارت دیگر؛ کلیت رگرسیون بصورت خطی، قابل اعتماد است.

تحلیل یافته ها بر اساس فرضیه اول

راه‌های زیادی وجود دارد که ریسک پذیری و اصول اندازه‌گیری آن بتوانند به رفع اختلاف نظرهای موجود بین وضع‌کنندگان استانداردهای حسابداری و مقررات‌گذاران کمک کنند. نقش اصول اندازه‌گیری ریسک در گزارش اطلاعات مورد نیاز به منظور عملکرد مناسب بازارهایی که می‌بایست به اطلاعات ریسک و خطای اندازه‌گیری توجه خاص داشته باشند، بسیار اساسی است. همچنین اصول اندازه‌گیری ریسک عامل بسیار مهمی در اندازه‌گیری، قابلیت تایید و اثبات ارزیابی‌ها است. ریسک پذیری نیز بعنوان مرکز ثقل تهیه و وضع استانداردهای حسابداری، می‌تواند ابزاری مفید برای حذف شکاف بین ارزیابی‌های حسابداری و اقتصاد باشد. بیش از دو دهه است که به موازات رشد بی‌سابقه بازارهای سرمایه، پیشرفت‌های چشم‌گیری در اصول اندازه‌گیری ریسک رخ داده که سیستم‌های مالی را متحول نموده است. چارچوب‌های احتیاط آور هم تغییراتی داشته‌اند و به نظر می‌رسد در آینده نزدیک، تحولات دیگری نیز در گزارشگری مالی بوجود آید. هیات مدیره به نمایندگی از سوی سهامداران شرکت، کار نظارت و کنترل بر شرکت را انجام می‌دهد. اندازه هیأت مدیره به عنوان عنصری با اهمیت در ویژگی‌های هیأت مدیره مطرح است. تعداد بهینه اعضای هیأت مدیره باید به گونه‌ای تعیین شود که نسبت به این موضوع که اعضای کافی برای پاسخگویی به وظایف هیأت مدیره و انجام وظایف مختلف هیأت مدیره وجود دارد، اطمینان خاطر حاصل شود.

تحلیل یافته ها بر اساس فرضیه دوم

شواهد تجربی حاکی از آن است که هیچ‌گونه اتفاق نظری در خصوص مسئولیت‌های مدیر عامل و ریاست هیأت مدیره وجود ندارد. گرین (۲۰۰۵) معتقد است که مسئولیت‌های مدیر عامل و ریاست هیأت مدیره باید از هم جدا باشد تا امکان بحث و تبادل نظر در خصوص مسائل و مشکلات شرکت مهیا گردد. هیأت مدیره‌هایی که این ویژگی را ندارند، از قدرت کمتری برخوردارند. در این گونه هیأت مدیره‌ها، توافق و اجماع در خصوص یک موضوع خاص بسیار دشوار است.

تحلیل یافته ها بر اساس فرضیه پنجم

عده‌ای دیگر همچون لیپمن و لیپمن (۲۰۰۶)، معتقدند اعضای هیأت مدیره باید دارای سطح بالایی از مدارک و مدارج تحصیلی باشد تا در بردارنده طیفی از مهارت‌ها و تجارب افراد گوناگون باشد، همچنین پژوهش زهرا و پیرس (۱۹۸۹)، نیز حاکی از آن است که این امر موجب افزایش قابلیت نظارت بر فعالیت‌های مدیران ارشد می‌شود. اما آنچه که مشخص است این است که هیأت مدیره باید دارای سطح تحصیلات معقول داشته باشد. در نتیجه تحصیلات ترکیب هیأت مدیره می‌تواند بر عملکرد مالی بانک‌ها اثرگذار باشد.

پیشنهادات**پیشنهادات مبتنی بر یافته‌های پژوهش****پیشنهادات بر اساس فرضیه اول**

به مدیران واحدهای تجاری پیشنهاد می‌گردد که از طریق بالا بردن سطح تحصیلات و افزایش تعداد اعضای هیأت مدیره؛ زمینه‌های کاهش ریسک پذیری واحد تجاری تحت کنترل خود را فراهم آورند.

به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌گردد در شرکت‌هایی اقدام به فعالیت‌های مالی و سرمایه‌گذاری نمایند که در واحد مذکور، از نظر سطح تحصیلات مدیریت بالا باشد؛ زیرا در اینگونه واحدها؛ ریسک پذیری، در سطح نازلی خواهد بود.

به فعالان بازار بورس پیشنهاد می‌گردد که از طریق تدوین الزامات لازم در خصوص سنجش میزان ریسک پذیری شرکتهای بورس تهران، بسترهای لازم برای تجزیه و تحلیل بنیادی صورت‌های مالی توسط استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی را فراهم آورده و از این طریق، تمهیدات لازم برای کاهش ریسک پذیری آنها را فراهم آورند.

پیشنهادات بر اساس فرضیه دوم

به مدیران واحدهای تجاری پیشنهاد می‌گردد که از طریق تفکیک نمودن نقش مدیر عامل از ریاست هیأت مدیره؛ زمینه‌های کاهش ریسک پذیری واحد تجاری تحت کنترل خود را فراهم آورند.

به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌گردد در شرکتهایی اقدام به فعالیت‌های مالی و سرمایه‌گذاری نمایند که نقش مدیر عامل از ریاست هیأت مدیره تفکیک شده باشد؛ زیرا در اینگونه واحدها؛ ریسک پذیری، در سطح نازلی خواهد بود.

به فعالان بازار بورس پیشنهاد می‌گردد که از طریق تدوین الزامات لازم در خصوص سنجش میزان ریسک پذیری شرکتهای بورس تهران، بسترهای لازم برای تجزیه و تحلیل بنیادی صورت‌های مالی توسط استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی را فراهم آورده و از این طریق، تمهیدات لازم برای کاهش ریسک پذیری آنها را فراهم آورند.

پیشنهادات بر اساس فرضیه پنجم

به مدیران واحدهای تجاری پیشنهاد می‌گردد که از طریق بالا بردن تحصیلات اعضای هیات مدیره؛ زمینه‌های کاهش ریسک پذیری واحد تجاری تحت کنترل خود را فراهم آورند.

به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌گردد در شرکتهایی اقدام به فعالیت‌های مالی و سرمایه‌گذاری نمایند که مدیران آن دارای سطح تحصیلات بالایی باشد؛ زیرا در اینگونه واحدها؛ ریسک پذیری، در سطح نازلی خواهد بود.

پیشنهادات برای پژوهش‌های آتی

- * بررسی رابطه بین ویژگی‌های هیئت مدیره و ریسک پذیری به تفکیک صنایع،
- * بررسی رابطه بین ویژگی‌های هیئت مدیره و ریسک پذیری؛ تحت تأثیر حجم معاملات با اشخاص وابسته،
- * بررسی رابطه بین ویژگی‌های هیئت مدیره و ریسک پذیری؛ تحت تأثیر هزینه‌های سیاسی،
- * بررسی رابطه بین ویژگی‌های هیئت مدیره و ریسک پذیری؛ تحت تأثیر مدیریت واقعی سود،
- * بررسی رابطه بین ویژگی‌های هیئت مدیره و ریسک پذیری؛ تأثیر دستورالعمل ماده ۱۰ حسابرسان متعمد سازمان بورس ایران.